

Production and Proliferation of Nuclear Weapons from the Perspective of International Law

1. Mohammad Kazem Qajarkohestani: PhD Student, Department of Public International Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran
2. Fakhruddin Abuieih*: Assistant Professor, Department of Public International Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran. Email: f.alboyeh@yahoo.com (Corresponding Author)
3. Ahmad Reza Behniafar: Associate Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran

ABSTRACT

The nuclear weapon, as the latest technological achievement of humankind in the field of armaments, is the most destructive military tool ever created. The intensity of its effects is incomparable to other weapons of mass destruction. This weapon is far more dangerous and terrifying than biological and chemical weapons, which are also classified as weapons of mass destruction. Despite the devastating consequences and unbearable suffering caused by biological and chemical weapons, the level of fear and public apprehension toward nuclear weapons is unparalleled. The present study aims to answer the question of how the production and proliferation of nuclear weapons are perceived in international law. This research has been conducted using a library-based (documentary) method and a descriptive-analytical approach. The findings of this study indicate that neither the production and proliferation of nuclear weapons (justified by deterrence theory) can be considered a peaceful method for conflict resolution, nor can the regulation of international relations based on nuclear power (Cold War doctrine) be deemed an appropriate strategy for strengthening international relations and cooperation. The prohibition of nuclear weapons production and proliferation has been pursued through the conclusion of bilateral and multilateral treaties and the adoption of measures aimed at preventing production and horizontal proliferation, establishing nuclear-weapon-free zones, and enforcing bans. The limited success of international law in nuclear disarmament and the obstacles in its path are primarily due to mutual fear and insecurity arising from the arms race in international relations. To ensure public security for all and create a favorable regional and international environment for disarmament, the concept of security must be based on mutual trust, shared interests, equality, and reciprocal cooperation.

Keywords: *Nuclear Weapons, International Law, Weapons of Mass Destruction, Production, Proliferation.*

How to cite: Qajarkohestani, M. K., Abuieih, F., & Behniafar, A. R. (2024). Production and Proliferation of Nuclear Weapons from the Perspective of International Law. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 6(2), 298-313.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 06 August 2024
Revise Date: 29 August 2024
Accept Date: 05 September 2024
Publish Date: 11 September 2024



پژوهش‌ها و تطبیق فقه،

حقوق و سیاست

تولید و گسترش سلاح‌های هسته‌ای از منظر حقوق بین‌الملل

۱. محمدکاظم قاجار کوهستانی: دانشجوی دکتری تخصصی، گروه حقوق بین‌الملل عمومی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران

۲. فخرالدین ابوبی: *استادیار، گروه حقوق بین‌الملل عمومی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران. پست الکترونیک:

f.alboeyh@yahoo.com (نویسنده مسئول)

۳. احمدرضا بهنیافر: دانشیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران

چکیده

سلاح هسته‌ای به‌عنوان آخرین دستاورد تکنولوژیک بشر در حوزه تسلیحات، مخرب‌ترین ابزار نظامی ساخته بشر است. شدت اثرات ناشی از کاربرد آن حتی قابل قیاس با سایر سلاح‌های کشتار جمعی نیست. این سلاح بسیار خطرناک‌تر و وحشتناک‌تر از سلاح‌های بیولوژیک و شیمیایی است که از دیگر سلاح‌های کشتار جمعی به‌شمار می‌آیند. علی‌رغم آثار زیان‌بار و رنج غیرقابل تحمل ناشی از سلاح‌های بیولوژیک و شیمیایی، ترس و وحشت عمومی نسبت به سلاح هسته‌ای غیرقابل مقایسه با دیگر سلاح‌ها می‌باشد. هدف پژوهش حاضر پاسخ‌گویی به این سؤال است که تولید و گسترش سلاح‌های هسته‌ای از منظر حقوق بین‌الملل چگونه است. که به‌صورت کتابخانه‌ای (اسنادی) و روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که تولید و تکثیر سلاح هسته‌ای (با استناد به تئوری بازدارندگی) روش مسالمت‌آمیز برای حل اختلافات تلقی می‌شود و نه تنظیم روابط بین‌الملل بر پایه قدرت سلاح اتمی (جنگ سرد)، راه مناسبی برای تحکیم روابط و همکاری‌های بین‌المللی است. منع تولید و تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، موضوع از طریق انعقاد معاهدات دوجانبه یا چندجانبه و اتخاذ روش‌هایی با هدف منع تولید و اشاعه افقی، آزادسازی مناطق خاص از سلاح‌های هسته‌ای و ممنوعیت پیگیری شده است. موفقیت کم حقوق بین‌الملل تسلیحات هسته‌ای و موانع بر سر راه آن عمدتاً ناشی از ترس و ناامنی متقابل ناشی از مسابقه تسلیحاتی در روابط بین‌الملل است. به‌منظور تامین امنیت عمومی برای همه و ایجاد فضای مناسب منطقه‌ای و بین‌المللی برای خلع سلاح، مفهوم امنیت باید مبتنی بر اعتماد متقابل، منافع متقابل، برابری و همکاری متقابل باشد.

واژگان کلیدی: سلاح هسته‌ای، حقوق بین‌الملل، کشتار جمعی، تولید، گسترش.

نحوه استناددهی: قاجار کوهستانی، محمدکاظم، ابوبی، فخرالدین، و بهنیافر، احمدرضا. (۱۴۰۳). تولید و گسترش سلاح‌های هسته‌ای از منظر حقوق بین‌الملل، حقوق ایران، مصر و انگلستان. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۶(۲)، ۲۹۸-۳۱۳.

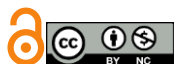
© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۶ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۸ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۵ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۲۱ شهریور ۱۴۰۳



بدون تردید کشف انرژی اتم یکی از مهم‌ترین و در عین حال چالش‌برانگیزترین دستاوردهای بشر در طول تاریخ بوده است. انرژی هسته‌ای با کاربردهای بسیار مفیدی که در زمینه تولید برق، پزشکی، کشاورزی و... دارد، منشأ تحولات شگرفی در زندگی بشر بوده است. در عین حال تشعشعات رادیواکتیو ناشی از مواد هسته‌ای و به‌ویژه استفاده از اتم برای ساخت سلاح‌های هسته‌ای مخاطرات بسیار ناگواری برای سلامت بشر و حیات کل موجودات کره زمین پدید آورده است. قدرت ویرانگری سلاح‌های هسته‌ای در حدی است که می‌تواند کلیه دستاوردهای تمدن بشری را در مدت زمان کوتاهی از میان بردارد. جامعه بین‌المللی از همان سال‌های اولیه استفاده از انرژی هسته‌ای به ماهیت دوگانه مفید و مخرب این کشف و تکنولوژی جدید پی برد و دریافت که استفاده و توسعه دانش و فناوری اتمی نیازمند همکاری بین‌المللی در چارچوب یک نظم حقوقی بین‌المللی است. در نتیجه تلاش‌هایی که در این زمینه به عمل آمد، نظام حقوقی عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای با محوریت معاهده ۱۹۶۸ عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان.پی.تی) شکل گرفت.

هدف اولیه تدوین‌کنندگان این نظام حقوقی جدید از یک سو تضمین برخورداری ایمن از فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای برای همگان، و از سوی دیگر، منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و خلع سلاح هسته‌ای بیان گردید. اما تأکید قدرت‌های بزرگ بر هدف عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای و بی‌توجهی نسبت به دیگر اهداف نظم حقوقی حاکم بر فعالیت‌های هسته‌ای، از جمله حقوق هسته‌ای دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای، موجب مواضع و دیدگاه‌های مختلف و گاه متضادی در خصوص ماهیت نظام حاکم بر عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای گردید. در حالی که دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای برخورداری از هرگونه فناوری مربوط به تحقیق، توسعه و استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را حق مسلم خود به موجب ان.پی.تی می‌دانند، برخی دولت‌های دارنده سلاح هسته‌ای تلاش می‌کنند تا با ادعای پیشگیری از گسترش بالقوه سلاح هسته‌ای دامنه حق مذکور را محدودتر سازند. اختلاف نظرها و تنش‌های راجع به برنامه‌های هسته‌ای ایران به‌ویژه موضوع حق غنی‌سازی اورانیوم، نمونه بارزی از این دیدگاه‌های مختلف در مورد حقوق و تعهدات دولت‌ها طبق نظام عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای است.

۱- قواعد بین‌المللی ناظر به تولید و دست‌یابی موشک‌های بالستیک

برای ارزیابی مشروعیت تولید و در اختیار داشتن موشک‌های بالستیک، باید موضوع را در آینه منابع حقوق بین‌الملل دنبال کرد. در این چارچوب، بررسی و ملاحظه معاهدات، قواعد عرفی و اسناد معتبر سازمان‌های بین‌المللی ضرورت دارد.

۱-۱- معاهدات بین‌المللی

معاهدات بین‌المللی از نظر اعتبار، الزام و دامنه به سه دسته تقسیم می‌شوند: معاهدات جهانی، معاهدات منطقه‌ای و معاهدات دوجانبه. حال به بررسی وضعیت موشک‌های بالستیک با توجه به این اسناد می‌پردازیم.

۱-۱-۱- معاهدات جهانی

با مطالعه و بررسی اسناد و معاهدات بین‌المللی، در خصوص سیستم کنترل و منع اشاعه یا به‌طور کلی تولید موشک‌های بالستیک، هنوز سند یا معاهده جامعی که دولت‌ها را از توسعه، تولید و متعارف منع کند، وجود ندارد. در حال حاضر بسیاری از کشورها فناوری این موشک‌ها را

دارند یا از این موشک‌ها در ساختار دفاعی یا تهاجمی نیروهای مسلح خود استفاده می‌کنند. (RL30427, 2004)^۱ امروزه با وجود ایده اولیه کاهش تنش‌ها، رقابت‌ها و پایان یافتن رویارویی‌های سرد و گرم ناشی از دوران نظام دوقطبی، پس از فروپاشی بلوک شرق، به دلیل نبود مقررات الزام‌آور و محدودکننده بین‌المللی و نیاز کشورها به تامین امنیت پایدار یا بازدارندگی امنیتی مؤثر و فعال، تحقیق، توسعه و کاربرد این موشک‌ها از نظر کمی و کیفی در حال گسترش است. اما از نظر حقوقی هیچ معاهده بین‌المللی که تولید و در اختیار داشتن موشک‌های بالستیک را ممنوع کند وجود ندارد. باین‌حال، در برخی معاهدات بین‌المللی در مورد کنترل سلاح‌های هسته‌ای، در مورد نوع خاصی از موشک‌های بالستیک به‌عنوان وسیله حمل و نقل پرتابه، ممنوعیت‌هایی وجود دارد. به‌عنوان مثال، معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای ۱۹۶۸ در مقدمه خود به این موضوع اشاره کرده است. حلقه وصل و نقطه ارتباط این پیمان با موضوع موشک‌های بالستیک بیانی اجمالی در مقدمه این پیمان است که یکی از اهداف این پیمان را؛ «نابودی کلیه ذخیره‌های موجود و حذف تسلیحات هسته‌ای و وسایل حمل و استفاده از آن از زرادخانه‌های ملی» اعلام نموده است. ظهور عبارت «...وسایل حمل...» با توجه به مفهوم واژه «حمل» استناد تبادر ذهنی اجمالاً معطوف به حامل و یا وسیله‌ای؛ هم‌چون «پرتابه و بمب» است. بنابراین به نظر می‌رسد، طراحی و ساخت موشک بالستیک به‌منظور و هدف حمل کلاهک هسته‌ای قطعاً با بیان مندرج در مقدمه این پیمان و التزام و انقیاد به مفاد آن مابینت دارد. اما نکته‌ای که وجود دارد درک نسبت و رابطه منطقی عموم و خصوص مطلق میان مفهوم «موشک بالستیک» و «موشک کلاهک‌دار هسته‌ای» است. به دیگر سخن هر موشک کلاهک‌دار هسته‌ای موشک بالستیک است اما هر موشک بالستیک لزوماً کلاهک هسته‌ای ندارد، با این وصف سایر انواع موشک‌های بالستیک از عداد موشک کلاهک‌دار هسته‌ای و ممنوعیت‌های ناشی از این پیمان، موضوعاً و تخصصاً خارج می‌باشند (Ghasemi & Ayman Islamiyeh, 2022).

الف) پیمان منع جنگ افزارهای هسته‌ای ۲۰۱۷

پس از تدوین پیش‌نویس معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و با کمک تجارب ملی و حقوقی و شناخت نقاط ضعف و خلأهای آن، لازم بود مقررات کامل‌تر و مؤثرتری وضع شود که کلیت خلع سلاح و هدف جهانی آزاد را محقق سازد. از سلاح‌های هسته‌ای اولین ویژگی معاهده اخیر این است که از نظر ممنوعیت جامع‌تر از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای است. طبق ماده ۱ موافقتنامه مذکور که به‌طور خلاصه شامل ممنوعیت، توسعه، آزمایش، ساخت، تولید، دسترسی، ذخیره‌سازی، انتقال، دریافت، کنترل یا استفاده و هم‌چنین هرگونه کمک، تشویق، تحریک یا تهدید با سلاح می‌باشد. و هم‌چنین جستجو، درخواست، مجوز ایجاد و نصب و استفاده از سلاح‌های هسته‌ای. به‌طور کلی، معاهده مذکور یک معاهده ویژه تسلیحات هسته‌ای است و الزامات آن صرفاً برای کلاهک هسته‌ای تهاجمی و در نتیجه برای دسته موشک‌های بالستیک است. و هیچ محدودیتی برای موشک‌های بالستیک معمولی که از حمل سلاح هسته‌ای خودداری می‌کنند ندارد. اما جمهوری اسلامی ایران عضو این معاهده نیست و طبیعتاً تعهدی به مفاد الزامات و تعهدات مندرج در آن ندارد، در واقع داوطلبانه به بسیاری از این تعهدات و داشتن سلاح هسته‌ای عمل و در استراتژی دفاعی و امنیتی ایران جایگاهی ندارد. سایر معاهدات بین‌المللی در مورد منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای نیز همین وضعیت را دارند و تولید و توسعه موشک‌های بالستیک را بدون طراحی برای پرتاب کلاهک هسته‌ای منع نمی‌کنند. معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای ۱۹۶۸ که معاهده اساسی برای منع اشاعه افقی تسلیحات هسته‌ای است و معاهده منع جامع آزمایش هسته‌ای

^۱ براساس برخی ارزیابی‌ها در حال حاضر تقریباً ۳۵ کشور دارای موشک‌های بالستیک عملیاتی با بردهای مختلف هستند که از این تعداد ۲۵ کشور دارای موشک‌های کروز عملیاتی با بردهای بیش از ۱۵۰ کیلومتر می‌باشند که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: چین، آمریکا، روسیه، هند، کره شمالی، ایران، پاکستان، تایوان، اسرائیل، آرژانتین، مصر و... -

۱۹۹۶ در این زمینه مرتبط هستند. هیچ یک از این دو معاهده بین‌المللی، منع تولید موشک‌های بالستیک توسط خودشان را ندارند. معاهده منع گسترش تسلیحات ۱۹۶۸ طراحی و تولید انواع پرتابگرهای تسلیحات هسته‌ای از جمله موشک را ممنوع کرده است و در نتیجه تولید موشک به‌عنوان یک سلاح متعارف مورد چالش قرار نگرفته است (Ghasemi & Ayman Islamiyeh, 2022).

ب) کنوانسیون ممنوعیت یا محدودیت استفاده از برخی سلاح‌های متعارف دارای اثرات بیش از حد زیان‌آور و یا غیرمجاز ۱۱۹۸ از آن‌جایی که موشک‌ها جزو تسلیحات متعارف هستند، بررسی اسناد بین‌المللی مربوط به این نوع تسلیحات ضروری است. معاهده فوق‌الذکر و پروتکل‌های الحاقی آن مهم‌ترین معاهده بین‌المللی در خصوص تسلیحات متعارف است. این سند مهم و پروتکل‌های پنج‌گانه آن برخی از سلاح‌های متعارف را که باعث رنج‌های غیرضروری و بیهوده می‌شوند، ممنوع کرده و استفاده از برخی سلاح‌ها را مشمول شرایط و محدودیت‌هایی می‌داند. کنوانسیون ۱۹۹۷ اتاوا در مورد مین‌های ضد نفر نیز باید به‌عنوان مکمل این گروه از اسناد مربوط به سلاح‌های متعارف در نظر گرفته شود. این مجموعه به همراه اعلامیه‌های سن پترزبورگ و لاهه و علاوه بر آن‌ها قواعد عرفی مربوطه، مفاد حقوق بین‌الملل سلاح‌های متعارف را تشکیل می‌دهند. این درحالی است که مجموعه این قوانین و اسناد، منع تولید راکت به‌عنوان یک سلاح متعارف را ندارد. البته استفاده از انواع موشک‌ها مشمول محدودیت‌های حقوق بشر دوستانه است که در بحث‌های بعدی به آن اشاره خواهد شد.

۲-۱-۲- معاهدات و اسناد منطقه‌ای

تاکنون هیچ معاهده منطقه‌ای وجود ندارد که تولید و استفاده از موشک‌های بالستیک را در یک منطقه خاص به‌ویژه در غرب آسیا ممنوع کند. پیمان‌های منطقه‌ای که موضوع آن تعیین مناطق عاری از سلاح هسته‌ای است نیز از بحث ما خارج است. علاوه بر این، این توافقنامه‌ها حداکثر تولید و استفاده از موشک‌های حامل کلاهک هسته‌ای را ممنوع می‌کند و به‌طور کلی هیچ مقرراتی در مورد موشک‌های بالستیک ندارد. اگرچه اصولاً خاورمیانه یا غرب آسیا به‌دلیل لجاجت رژیم اسرائیل در پذیرش طرح منطقه‌ای از سلاح‌های هسته‌ای و بی‌توجهی حامیان جهانی آن، معاهده منطقه‌ای عاری از سلاح هسته‌ای ندارند.

۲-۱-۳- معاهدات دوجانبه

این پیمان‌ها غالباً بین اتحاد جماهیر شوروی سابق و سپس بین روسیه فعلی و آمریکا منعقد می‌شد مانند: پیمان محدودسازی سلاح‌های راهبردی ۱ (سال ۱) و پیمان ۲، ذیل پیمان کاهش تسلیحات راهبردی تهاجمی که میان آمریکا و شوروی منعقد شد. این پیمان‌ها نیز باستناد اصل نسبی بودن اثر عقود و معاهدات نسبت به طرفین متعاهدین هیچ‌گونه الزام و تعهدی را برای اطراف ثالث و از جمله برنامه موشکی بالستیک کشورهایمان ایجاد نمی‌کنند (Ghasemi & Ayman Islamiyeh, 2022).

۲-۲- رژیم کنترل فناوری موشکی ۱۹۸۷

رژیم کنترل فناوری موشکی سال ۱۹۸۷ که از این پس به‌عنوان رژیم کنترل از آن یاد می‌شود، یک توافقنامه غیررسمی اما غیرالزام‌آور و داوطلبانه چندجانبه سیاسی و بین‌المللی است که برای اولین بار توسط ایالات متحده و در پی نگرانی‌های مربوط به گسترش سلاح‌های هسته‌ای تهیه شد. از فناوری موشکی تسلیحات بالستیک در اجلاس سال ۱۹۸۷ گروه ۷ در میان کشورهای جنوب پیشنهاد و تصویب شد. ماهیت

1. Strategic Arms Limitations Treaty (SALT 2) 1972

2. Aggressive Strategic Arms Reduction Treaty (START 1) 1991

حقوقی این سند تنها در قالب «نظریه رژیم‌ها» قابل توجیه است (Shaker, 2009). محتوای رژیم کنترل شامل یک متن و یک پیوست می‌باشد که متن آن متضمن مجموعه‌ای از توصیه‌ها، راهنمایی‌ها بوده و پیوست آن متضمن تبیین و معرفی برخی معیارها و شاخص‌ها و فهرست‌هاست، هدف اصلی این رژیم ایجاد یک رویه واحد بین‌المللی و نهادسازی بین‌المللی از طریق وضع یک تصمیم سیاسی غیررسمی و تعمیم آن به سایر اعضای جامعه بین‌الملل مبتنی بر دو اصل منافع مشترک و همکاری بوده و نتیجه آن ایجاد و یا وضع سازکاری محدودکننده درخصوص جلوگیری از اشاعه و گسترش موشک‌های بالستیک و فناوری‌های مرتبط با آن و نیز برخی فناوری‌های حساس هم‌چون هواپیماهای بدون سرنشین به‌عنوان مهم‌ترین وسایل پرتاب و حمل سلاح‌های هسته‌ای می‌باشد که البته بعدها به سلاح‌های شیمیایی و میکروبی هم گسترش یافت. این رژیم ۳۵ عضو دارد که ایران عضوی از آن‌ها نیست. کنترل موشک شامل یک رژیم بین‌المللی چندجانبه برای کنترل صادرات و انتقال سامانه‌های پرتاب از جمله موشک‌ها و پهپادها و فناوری‌های مرتبط به سایر کشورهایی است که این فناوری را ندارند. مذاکرات بعدی اعضای این رژیم موشکی در ورشو لهستان بعدها و در سال ۲۰۰۲ منجر به امضای دومین سند تکمیلی تحت عنوان منشور رفتار موشکی لاهه شد که مکمل رژیم کنترل محسوب می‌شود. زیرا در پایان سند رژیم کنترل، فهرستی از فناوری‌های ممنوعه وجود دارد که انتقال آن‌ها براساس این سند ممنوع بوده است و اکنون همان ممنوعیت‌های فهرست مذکور طبق آئین‌نامه رفتار لاهه ۲۰۰۲ گسترش یافته است و همه را شامل می‌شود. تجهیزات و فناوری‌هایی که در برنامه موشکی مورد استفاده قرار می‌گیرد، بنابراین مواردی که قبلاً ذکر شده بود در ضمایم سند رژیم کنترل حذف و ذکر نشده بود و طبق این سند تکمیل شد (Ghasemi & Ayman Islamiyeh, 2022).

رژیم کنترل فناوری موشکی و منشور رفتاری لاهه در سال ۲۰۰۲ علیه اشاعه موشک‌های بالستیک ۲۰۰۲ یا همان قانون رفتار بین‌المللی در بسیاری جهات شباهت‌هایی با یکدیگر دارند و حتی از یک جهت باید گفت که آخرین سند مکمل سند سابق است. برای اثبات این ادعا، برخی از این جنبه‌های اشتراک‌گذاری در زیر توضیح داده شده است. گفتنی است این دو سند بین‌المللی از یک منبع صادر شده و ماهیت واحد، غیرمعاهده‌ای و داوطلبانه دارند و فلسفه ایجاد آن‌ها مشترک و برای کنترل و مقابله با توسعه روزافزون فناوری موشک‌های بالستیک است. لذا با توجه به این وحدت طبیعت، در این حوزه به بررسی اجمالی این دو سند می‌پردازیم، به‌نظر می‌رسد بنیانگذاران و طراحان این رژیم و سیستم کنترل و این آئین‌نامه از طراحی این‌گونه اسناد و رژیم‌هایی صرفاً حفظ انحصار فناوری تعیین‌کننده موشکی در میان اعضا و متحدین و جلوگیری از انتقال و گسترش این فناوری‌ها به کشورهای رقیب می‌باشد (Asadi, 2016). گواه این مدعا فشارهای سنگین سیاسی، حقوقی، اقتصادی، و حتی امنیتی بود که در فاصله ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۳ بر لیبی وارد نمودند و سرانجام این کشور را وادار کردند تا در سال ۲۰۰۳ سلاح‌های راهبردی خود را نابود و از برنامه توسعه آن‌ها انصراف دهد، بنابراین دولت وقت لیبی ملزم شد تا طبق تعهدات و الزامات مندرج در برنامه «یکم» سند رژیم کنترل صرفاً این امکان را داشته باشد که موشک‌هایی حداکثر تا برد ۳۰۰ کیلومتر و با بار جنگی ۵۰۰ کیلوگرم برخوردار باشد (Ghasemi & Ayman Islamiyeh, 2022).

با توجه به این‌که ایران و برخی از کشورهای همکار در برنامه دفاعی ایران مانند چین و کره شمالی عضو هیچ یک از طرفین این دو سند نیستند، بنابراین هیچ‌گونه تعهد و تعهد بین‌المللی یا محدودیت حقوقی بین‌المللی ناشی از این دو وجود ندارد. در این اسناد هیچ توافق بین‌المللی برای برنامه موشکی متعارف ایران وجود ندارد و تنها مانع محدودکننده الزام مندرج در قطعنامه ۲۲۳۱ درخصوص عدم طراحی و ساخت موشک‌های بالستیک با قابلیت حمل سلاح هسته‌ای است. اما از آنجایی‌که راهبرد و رفتار آمریکا و متحدان غربی آن اعمال فشار مستمر و حداکثری بر جمهوری اسلامی ایران برای تغییر رفتار منطقه‌ای و دست کشیدن از ابزار و ظرفیت‌های اعمال قدرت و اقتدار است، بنابراین

وجود این رژیم‌ها یا منشور اخلاقی هیچ‌گونه تعهدی برای ایران از نظر قانونی ندارد و به‌عنوان یک ابزار سیاسی برای فشار بر کشورهای مستقل جنوب به‌ویژه کشورهای که سیاست ضد سلطه‌گری دارند، هم‌چون ایران قابل توجیه می‌باشند.

۲- پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای

پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای یا معاهده عدم اشاعه یا به اختصار ان‌پی‌تی، در دوران جنگ سرد، در ژانویه ۱۹۶۷ میلادی برابر با ۱۳۴۷ خورشیدی، به‌صورت محدود بین چند کشور جهان منعقد شد. این پیمان کشورهای جهان را به دو طبقه برخوردار (کشورهای دارای سلاح هسته‌ای) و غیربرخوردار (کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای) تقسیم می‌کند. طبق تعریف کشورهای برخوردار، شامل کشورهایی هستند که تا پیش از اول ژانویه ۱۹۶۷ برابر با ۱۱ دی ۱۳۴۷ سلاح هسته‌ای یا دیگر وسایل منفجره هسته‌ای را تولید و منفجر کرده باشند طبق این تعریف چین، فرانسه، روسیه، انگلیس و آمریکا (اعضای دائمی شورای امنیت) به‌طور رسمی دارای سلاح هسته‌ای شدند. تاکنون ۱۸۹ کشور جهان با امضای آن به پیمان‌نامه پیوسته‌اند. هند و پاکستان، سودان جنوبی و اسرائیل این پیمان‌نامه را نپذیرفته‌اند. کره شمالی نیز پس از نقض پیمان ایالات متحده در نهایت از این پیمان‌نامه خارج شد. طبق این معاهده کشورهای دارای سلاح هسته‌ای نباید به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به کشورهای غیر برخوردار در راه تحصیل این سلاح کمک کنند و کشورهای غیربرخوردار متعهد می‌شوند تا در این راه تلاش نکنند، هرچند به موجب ماده ۴ برخوردارها متعهد شده‌اند که فناوری هسته‌ای صلح آمیز را در اختیار غیر برخوردارها قرار دهند (قانون پیمان بین‌المللی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، ۲۰۱۸: ۲).

ماده ۱۰ به دولت اجازه می‌دهد که «اگر احساس کند که شرایط فوق‌العاده مربوط به موضوعات این معاهده منافع حیاتی کشورش را به خطر انداخته است»، با دادن اخطار ۹۰ روزه، از معاهده خارج شود. چنین دولتی موظف است در این اطلاعیه دلایل خروج از ان‌پی‌تی را ارائه دهد. ناتو استدلال می‌کند که اگر این معاهده دیگر اعمال نشود، وضعیت «جنگ عمومی» وجود دارد و عملاً به کشورهای درگیر اجازه می‌دهد بدون اطلاع قبلی آن‌جا را ترک کنند. این استدلال برای حمایت از سیاست اشتراک تسلیحات هسته‌ای ناتو ضروری است. استدلال ناتو مبتنی بر عبارت «ضرورت به‌کارگیری حداکثر تلاش برای جلوگیری از خطر چنین جنگ‌هایی» در مقدمه این معاهده است که به درخواست دیپلمات‌های آمریکایی مطرح شد و استدلال می‌کند که در آن زمان این معاهده نتوانسته بود وظیفه خود را برای جلوگیری از یک جنگ عمومی انجام دهد. بنابراین، دیگر الزام‌آور نخواهد بود (Gillis, 2017).

۳- قانون پیمان بین‌المللی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (مصوب ۱۳۴۸.۱۰.۲۲)

ماده واحده - پیمان بین‌المللی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای مشتمل بر یک مقدمه و یازده ماده که در تاریخ ۱۰ تیر ماه ۱۳۴۷ برابر با اول ژوئیه ۱۹۶۸ به امضاء نمایندگان مختار دولت شاهنشاهی در مسکو، لندن و واشنگتن رسیده است تصویب و به دولت اجازه مبادله اسناد آن داده می‌شود. قانون بالا مشتمل بر یک ماده و متن پیمان ضمیمه در جلسه روز پنجشنبه یازدهم دی ماه یک هزار و سیصد و چهل و هشت به تصویب مجلس شورای ملی و در جلسه روز دوشنبه بیست و دوم دی ماه یک هزار و سیصد و چهل و هشت شمسی به تصویب مجلس سنا رسیده است. پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای دول عاقد این پیمان که ذیلاً "طرف‌های پیمان" نامیده می‌شوند. با توجه به ویرانی‌هایی که یک جنگ هسته‌ای برای بشریت به بار خواهند آورد و نتیجتاً لزوم مجاهدت همه‌جانبه در دفع خطر یک چنین جنگ و اقدام در راه حفظ امنیت مردم و با ایقان به اینکه گسترش سلاح‌های هسته‌ای خطر جنگ هسته‌ای را شدیداً افزایش خواهد داد. و با رعایت قطعنامه‌های مجمع عمومی ملل متحد که خواهان انعقاد موافقتنامه‌ای به‌منظور جلوگیری از اشاعه بیشتر سلاح‌های هسته‌ای است و با التزام به همکاری در ایجاد

تسهیلات اجرایی مقررات تضمینیه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مورد فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌جویانه و با ابراز پشتیبانی از مجاهدات معموله در راه تحقیق و توسعه و مساعی دیگر به‌منظور پیشرفت اجرای اصل تضمین مؤثر جریان مواد خام و محصولات شکافتنی مخصوص از طریق استفاده از آلات و سایر روش‌های فنی در بعضی از نقاط سوق‌الجیشی در محدوده سیستم اقدامات تأمینیه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و با تأیید این اصل که فوائد حاصله از استفاده‌های صلح‌جویانه از تکنولوژی هسته‌ای منجمله کلیه فرآورده‌های فرعی ناشی از تکنولوژی که دول مجهز به سلاح‌های هسته‌ای ممکن است از بسط ادوات انفجاری هسته‌ای به‌دست آورند بایستی برای مقاصد صلح‌جویانه در دسترس کلیه طرف‌های این پیمان اعم از دولی که مجهز به سلاح‌های هسته‌ای باشند یا نه قرار داشته باشد و با اعتقاد به این‌که در اجرای این اصل کلیه طرف‌های این پیمان حق دارند در مبادله هرچه وسیع‌تر اطلاعات علمی شرکت نموده و به‌منظور بسط بیشتر استفاده از انرژی اتمی برای مقاصد صلح‌جویانه انفراداً یا با همکاری سایر دول اقدام نمایند و با اعلام قصد خود دایر به قطع هرچه زودتر مسابقه تسلیحات هسته‌ای و اخذ تدابیر مؤثر در جهت خلع سلاح هسته‌ای و یا تقاضای مصرانه از کلیه دول به همکاری در نیل به این هدف و با تذکار این که طرف‌های پیمان ۱۹۶۳ راجع به منع آزمایش سلاح‌های هسته‌ای در جو و فضای ماوراء جو و زیر آب در دیباچه پیمان مذکور تصمیم خود را دایر بر مجاهدت در راه تحقق قطع کلیه انفجارات آزمایشی سلاح‌های هسته‌ای برای همیشه و ادامه مذاکرات در این زمینه ابراز داشته‌اند (Sharif Emami, 1969).

۴- نحوه نظارت بر اجرای معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای

در معاهدات بین‌المللی، اجرای تعهدات معمولاً بر عهده خود دولت‌ها است و در صورت بروز اختلاف بین طرفین، راه یا راه‌هایی برای حل آن پیش‌بینی می‌شود. کشورهای غیرهسته‌ای هم آن را به یکی از نهادهای بین‌المللی یعنی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی واگذار کرده‌اند که یکی از ابداعات این معاهده است و درعین‌حال در حقوق معاهدات بین‌المللی نیز یک رویه غیرعادی تلقی می‌شود. زیرا دولت‌های حاکم پذیرفته‌اند که تاسیسات حساس سرزمین خود را تحت نظارت اتباع خارجی یعنی بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار دهند که منشأ پذیرش ایده نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی توسط دو قدرت بزرگ متفاوت است. آمریکا، در پی شکست «سیاست سری» خود در مورد مواد و تکنولوژی هسته‌ای تصمیم گرفت از سیاست توسعه کنترل شده کاربرد مسالمت‌آمیز انرژی هسته‌ای تبعیت نماید به‌همین جهت آیزنهاور در ۱۹۵۳ نطقی در سازمان ملل متحد تحت عنوان «اتم در خدمت صلح» ایراد نمود که منجر به انعقاد تعداد زیادی معاهدات دوجانبه گردید. افزایش این موافقت‌نامه‌ها مسأله نظارت بر کاربرد مسالمت‌آمیز انرژی هسته‌ای را مطرح نمود. این نظارت در ابتدا توسط بازرسان آمریکایی انجام می‌شد ولی آمریکاییان سعی کردند به دو دلیل انجام این عمل را به یک گروه از بازرسان بین‌المللی واگذار کنند. دلیل اول اجتناب از تحمل یک‌جانبه مخارج بازرسی‌ها بود، و دلیل دیگر آرام‌نمودن کشورهای بود که به نظارت بازرسان آمریکایی به علت دخالت در قلمرو حاکمیت ملی خود اعتراض داشتند. بدین ترتیب رفته‌رفته آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سطح جهانی و آژانس اروپایی انرژی اتمی (اوراتوم) در کشورهای عضو جامعه اروپایی انرژی اتمی کار خود را آغاز نمودند (Tavakoli Tabasi & Moradi, 2021).

شوروی سابق نیز تا سال ۱۹۶۳ با این روش نظارت مخالفت می‌کرد و مدعی بود که جهان سوم گرفتار استعمار نو شده است. همین امر عملاً نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را با مشکلات زیادی رو به رو کرده بود ناگهان در پی حل بحران کوبا در ۱۹۶۳ شرایط دگرگون گشت و شوروی اعلام کرد که موافق ایجاد یک سیستم نظارت بین‌المللی است. این کشور با آن‌که در پیش‌نویس ۱۹۶۵ خود مقرراتی در مورد نظارت پیش‌بینی نکرده بود ولی بزودی نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را پذیرفت. روس‌ها با قبول نظارت آژانس در واقع در پی آن

بودند که بتوانند بر فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌جویانه آلمان نظارت نمایند. سرانجام معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را پذیرفت. طبق ماده ۳ بند یک این معاهده نظارت آژانس شامل کلیه فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌جویانه دولت‌های غیرهسته‌ای عضو معاهده منع گسترش می‌گردد. هدف از این نظارت جلوگیری از انحراف انرژی هسته‌ای از مصارف صلح‌جویانه به سوی مصارف نظامی یعنی تولید سلاح‌های هسته‌ای و یا سایر ادوات انفجاری هسته‌ای می‌باشد. این نظارت بر کلیه مواد خام و مواد قابل شکاف مخصوص اعمال می‌شود خواه این مواد و فرآورده‌ها در داخل تأسیسات هسته‌ای اصلی تولید یا عمل‌آوری شده و یا بکار برده شده باشند، خواه در خارج از این قبیل تأسیسات قرار داشته باشند. هم‌چنین نظارت آژانس در مورد کلیه مواد خام یا مواد قابل شکاف مخصوص در همه فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌جویانه در سرزمین یا قلمرو تحت صلاحیت یا شرکت تحت کنترل چنین دولتی اعمال می‌شود (Saed, 2005).

۴-۱- اصلاحیه

در معاهدات بین‌المللی، اغلب روشی برای اصلاح آن‌ها ارائه شده است. این امکان در ماده ۸ معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای نیز پیش‌بینی شده است و آنچه جدید می‌نماید آن است که پس از موافقت حداقل ۳/۱ از دولت‌های عضو معاهده با پیشنهادات اصلاحی و تشکیل کنفرانسی به این منظور اصلاحات پیشنهادی باید به تصویب اکثریت آرا کلیه دولت‌های عضو معاهده از جمله آرای مثبت کلیه دولت‌های مجهز به سلاح‌های هسته‌ای عضو معاهده و هم‌چنین کلیه دولت‌های عضو معاهده که در تاریخ اعلام اصلاحیه پیشنهادی در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی عضویت دارند برسد. همان‌گونه که از منطوق عبارات ماده ۸ مستفاد می‌شود در واقع هیچ‌گونه اصلاحیه‌ای مورد قبول قرار نخواهد گرفت مگر این‌که سه قدرت بزرگ هسته‌ای عضو معاهده یعنی آمریکا، روسیه فدراتیو (جانشین شوروی سابق) و انگلستان آن را بپذیرند به عبارت دیگر اگر اصلاحیه توسط اکثریت دولت‌های عضو و کلیه دولت‌های عضو شورای حکام آژانس پذیرفته شود ولی توسط یکی از دولت‌های هسته‌ای عضو معاهده مورد قبول واقع نشود آن اصلاحیه نمی‌تواند در معاهده لحاظ گردد. بدین ترتیب قدرت‌های هسته‌ای امکان هرگونه اصلاحیه‌ای به معاهده را بدون موافقت خود از میان برده‌اند (Tavakoli Tabasi & Moradi, 2021).

۴-۲- خروج

معمولاً خروج از معاهدات بین‌المللی چیزی است که در آن‌ها پیش‌بینی شده است. این اقدام اغلب با اطلاع قبلی به متولی معاهده انجام می‌شود. این احتمال در ماده ۱۰ معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای به‌گونه‌ای بدیع پذیرفته شده است. از آن‌جایی که کشور عضو معاهده می‌تواند با اعطای اخطار سه ماهه به تمام کشورهای عضو معاهده و شورای امنیت در اعمال حق حاکمیت ملی خود از معاهده خارج شود، این اطلاعیه هم‌چنین باید حاوی شرح رویدادهای فوق‌العاده باشد که به نظر می‌رسد. دولت درخواست‌کننده، مرتبط با موضوع معاهده، منافع کشور را به خطر انداخته است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، این حق زمانی قابل تحقق است که تقاضای اعمال آن هم به کشورهای عضو معاهده از جمله سه قدرت هسته‌ای داده شود و هم به شورای امنیت تسلیم شود که باز هسته اصلی آن را پنج قدرت اتمی به‌عنوان اعضای دائمی آن تشکیل می‌دهند. در عین حال در درخواست خروج باید شرح وقایع نیز داده شود و این وقایع ویژگی «فوق‌العاده» بودن را داشته باشد که خالی از ابهام نیست. زیرا ممکن است اتفاقاتی رخ دهد که از نظر کشور متقاضی فوق‌العاده باشد و با منافع عالی آن در تضاد باشد، درحالی‌که برای سایر کشورها این رویدادها چنین ویژگی‌هایی را ندارند. بالاخره آنچه مهم و جدید است، ارائه این درخواست به شورای امنیت است. حال اگر یکی از اعضای دائم با خروج کشور متقاضی مخالفت کند، آن دولت چگونه می‌تواند از این حق استفاده کند؟ به‌عنوان مثال می‌توان به درخواست اخیر کره شمالی برای خروج از این معاهده اشاره کرد که در نهایت تحت فشار آمریکا (که در نهایت با کمک‌های

مالی همراه شد) این کشور نتوانست از این معاهده خارج شود، بنابراین به نظر می‌رسد اجرای حق خروج در واقع در اختیار قوای هسته‌ای است و اگر حتی یکی از آن‌ها مخالف خروج باشد، چنین امکانی برای عضو معاهده وجود نخواهد داشت (Saed, 2005).

۴-۳- ضمانت اجرا

یکی دیگر از مواردی که در معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای پیش‌بینی نشده است اعمال مجازات در مورد دولت‌هایی است که از تعهدات مندرج در معاهده تخطی نموده‌اند بخصوص این‌که این تخطی در مواردی که با هدف و موضوع معاهده مرتبطند انجام شود، یعنی منحرف نمودن مواد قابل‌شکاف برای استفاده در ساخت سلاح‌های هسته‌ای باشد. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در این خصوص مقرراتی را پیش‌بینی نموده است. ماده ۱۲ بند ۲ اساسنامه این سازمان پیش‌بینی کرده است که مفاد اصلی این مقررات می‌توانند در موافقت‌نامه‌های تضمینات منعده براساس معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای درج گردند. طبق این مقررات مدیرکل آژانس باید تجاوزات مسلّمی که بازرسان آژانس گزارش داده‌اند را به اطلاع شورای حکام آژانس برساند. شورای اخیر باید فوراً مراتب را به شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد اطلاع دهد. حال اگر دولت یا دولت‌های متجاوز تصمیمات مشخصی برای پایان بخشیدن به این تجاوزات اتخاذ نکنند شورای حکام آژانس می‌تواند یکی از دو مجازات را انتخاب و اعمال نماید:

۱. قطع کمک به دولت متجاوز و درخواست استرداد مواد و تجهیزات هسته‌ای دریافتی توسط آن دولت.

۲. محروم نمودن دولت متجاوز از برخورداری از امتیازات و حقوق ذاتی اعضای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی.

اما مشکل اینجاست که این مجازات‌ها فقط می‌تواند در مورد مواد و تجهیزات هسته‌ای دریافتی از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعمال شود و نه در چارچوب اقدامات کلی که آژانس براساس معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای انجام می‌دهد. در این صورت تنها اقدام پیش‌بینی شده این است که هرگونه تخلف از تعهدات معاهده به شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد گزارش شود و افکار عمومی بین‌المللی نیز از خطرات ناشی از این نقض مطلع شوند. در این صورت می‌توان تصور کرد که قدرت‌های بزرگ با اعمال فشارهای سیاسی، اقتصادی یا نظامی و همچنین ممانعت از تحویل هرگونه سوخت و تجهیزات هسته‌ای به دولت متجاوز، دولت متجاوز را مجبور به رعایت مقررات خواهند کرد. اما اجرای مؤثر چنین سیاستی مستلزم هماهنگی میان کشورهای صادرکننده مواد و تجهیزات هسته‌ای است تا دولت متجاوز نتواند چنین مواد و تجهیزاتی را از جاهای دیگر تهیه کند (Beygzadeh, 1995).

۵- تعهدات دولت‌های غیرهسته‌ای براساس معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای

براساس مواد ۲ و ۳ معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای دولت‌های غیرهسته‌ای دو دسته تعهد را پذیرفته‌اند اولاً این دولت‌ها متعهد شده‌اند که از پذیرش سلاح‌های هسته‌ای خودداری، نمایند، ثانیاً نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را در مورد کلیه فعالیت‌های هسته‌ای خود قبول نموده‌اند. تعهد اخیر را قبلاً مورد مطالعه قرار دادیم اینک به بررسی دسته اول از تعهدات این دولت‌ها می‌پردازیم. کشورهای غیرهسته‌ای دو نوع تعهد را در مورد این‌گونه سلاح‌ها پذیرفته‌اند. بر طبق ماده ۲ معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای کلیه دولت‌های غیرهسته‌ای عضو معاهده متعهد می‌شوند:

اولاً از قبول مستقیم یا غیرمستقیم انتقال سلاح‌های هسته‌ای یا سایر ادوات انفجاری هسته‌ای یا کنترل چنین سلاح‌هایی با چنین ادوات انفجاری خودداری نمایند.

ثانیاً، نباید به هیچ طریقی مبادرت به ساخت یا تحصیل سلاح‌های هسته‌ای یا سایر ادوات انفجاری هسته‌ای نمایند و در پی هیچ‌گونه کمکی برای ساخت سلاح‌های هسته‌ای و سایر ادوات انفجاری هسته‌ای بر نیایند (Junior, 2015).

همان‌طور که از مفاد این ماده برمی‌آید، درواقع کشورهای غیرهسته‌ای موظفند از داشتن هرگونه سلاح هسته‌ای یا سایر وسایل انفجاری هسته‌ای خودداری کنند. به عبارت دیگر آن‌ها پذیرفته‌اند که باشگاه قدرت‌های هسته‌ای برای همیشه به روی آن‌ها بسته بماند. هم‌چنین کشورهای هسته‌ای با ایجاد چنین تعهدی برای کشورهای غیرهسته‌ای و ممانعت از ورود آن‌ها به جرگه خود، سعی کرده‌اند از برهم خوردن موازنه جهانی قوا که مبتنی بر نظریه موازنه است جلوگیری کنند تا نظم مبتنی بر چنین توازن قوا به هم نخورد. واضح است که چنین تعهدی منجر به ایجاد نابرابری در حقوق دولت‌ها می‌شود. این مسأله از چشم کشورهای درحال توسعه هم به دور نمانده و بسیاری از آن‌ها معتقدند که وضعیت ناشی از این تعهد ناقض اصل برابری دولت‌ها در حقوق می‌باشد که خود یک اصل کلی حقوق بین‌الملل عمومی است. لذا بارها پیشنهاد نموده‌اند که چنین عدم تعادلی در تعهدات باید از میان برود. تردیدی نیست که این نظریه از لحاظ حقوقی صرف درست می‌باشد، اما با توجه به واقعیت‌های موجود در روابط بین‌الملل، به نظر نمی‌رسد که مورد قبول واقع شود؛ زیرا برای اجرای سیاست موازنه قوا بین قدرت‌های بزرگ هسته‌ای جهان به‌ویژه دو قدرت بزرگ هسته‌ای باید معاهده گسترش سلاح‌های هسته‌ای مورد توجه قرار گیرد و اذعان داشت که در چنین سیاستی برابری حقوق بین کشورهای هسته‌ای و غیرهسته‌ای چندان محلی از اعراب ندارد؛ سیاستی که با وجود تحولات بلوک شرق تغییر چندانی نکرده است. فدراسیون روسیه هم‌چنین در تلاش است تا سلاح‌های هسته‌ای موجود در برخی از کشورهای تازه استقلال یافته مانند قزاقستان، اوکراین و بلاروس را منتقل کند. در این راستا، بیانیه آما آتا در سال ۱۹۹۱ و هم‌چنین دو قدرت بزرگ هسته‌ای آمریکا و فدراسیون روسیه قابل تأمل است. آن‌ها در این مرحله تلاش می‌کنند این کشورهای جدید هسته‌ای را مجبور به ورود به مرحله کنترل تسلیحات کنند. برای مثال می‌توان از امضاء مجدد معاهده سالت ۱ توسط این دو کشور با کشورهای قزاقستان، اوکراین و بیلوروسی در اوایل دسامبر ۱۹۹۴ نام برد (Falsafi, 1994).

درخصوص عملکرد کشورهای غیرهسته‌ای عضو معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای، به نظر می‌رسد به جز تعدادی از آن‌ها که عملکرد آن‌ها مورد اعتراض قرار گرفته است، کره شمالی با واکنش شدید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مواجه شده است. با پذیرش سیستم تضمین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و نظارت بازرسان بر تاسیسات و فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای این کشورها تا حد زیادی می‌توان به این امر دست یافت.

۶- قاعده کلی تفسیر و تعهدات قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای

۶-۱- اصل حسن نیت و تفسیر معاهده منع گسترش هسته‌ای

اصل حسن نیت از مؤلفه‌های ضروری هر نظام حقوقی اعم از داخلی و بین‌المللی است. با وجود این درخصوص تعهد ناشی از حسن نیت تفاوت دیدگاه وجود دارد از جمله این تفاوت‌ها این است که اصل حسن نیت به‌عنوان یکی از تعهدات طرفین در کلیه مراحل و فرایندها شکل‌گیری تدوین، تصویب، اجرا و به‌خصوص هنگام تفسیر باید مدنظر قرار گیرد لیکن در رویکرد دیگر حسن نیت را معیار اخلاقی در نظر می‌گیرند و الزام حقوقی به درج آن در معاهدات را ضروری و تعهد آور قلمداد نمی‌کنند با وجود این، اینک نظام حقوقی بین‌المللی حاکم بر

معاهدات بین‌المللی در اجرا (ماده ۲۶ عهدنامه حقوق معاهدات وین ۱۹۶۹) و به‌ویژه درخصوص تفسیر معاهدات (در ماده ۳۱ همین عهدنامه) اصل حسن نیت را مورد پذیرش و شناسایی قرار داده است. «با این‌حال، هم عهدنامه وین ۱۹۶۹ و هم دیوان بین‌المللی دادگستری در آرای خود برای تشخیص حسن نیت در تفسیر معاهدات بین‌المللی ضابطه‌ای مناسب را ارائه کرده‌اند و آن تفسیر معاهده بر مبنای سه عامل هدف، معاهده معنای معمول کلمات و سیاق عبارات معاهده است. مزیت چنین امری در آن است که دیگر نیاز نیست برای یافتن مفهوم بسیار مبهم و گنگ حسن نیت که تمامی حقوقدانان در تعریف آن عاجز مانده‌اند به نتیجه کار رجوع کرد و اظهار داشت اگر نتیجه حاصل از معاهده رضایت طرفین را جلب کرده باشد، طرفین حسن نیت داشته‌اند در غیراین صورت خیر». از این‌رو، تأثیر اصل حسن نیت به‌طور، مجرد نتیجه ملموسی در جهت تعیین قلمرو قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای به دست نمی‌دهد و در رابطه با هدف معنای معمول کلمات و سیاق عبارات معاهده نتیجه بخش خواهد بود. شایان ذکر است شرط «حسن نیت»^۱ که در حقوق بین‌الملل از آن به‌عنوان اصل یاد می‌شود واجد سه رکن اساسی مشتعل بر اصل وفای به عهد، لزوم حفظ نظم عمومی و تکلیف اخلاقی است (Vathiqi & Kuzehgar, 2014).

۷-۲- تعیین سیاق عبارات قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای

منظور از مؤلفه رو کارهای مقدماتی و مباحث مطروحه در مذاکرات و پیرامون آن جایگاهی در ساختن سیاق عبارات یک قاعده ندارد چنانچه این مباحث بخواهند تأثیری در شکل‌دهی سیاق یک قاعده داشته باشند لزوماً باید در قالب عبارات‌های معاهده چه در مقدمه یا متن یا ضمایم درج شوند البته چگونگی تأثیر هر عبارت تشکیل‌دهنده سیاق، به موقعیت آن در متن معاهده وابسته است. به‌عبارت دیگر چنانچه در مقدمه درج شود صرفاً ارزش تفسیری (غیرالزام‌آور) می‌یابد و در غیر این صورت (در متن و ضمایم) علاوه بر ارزش تفسیری از وجه تعهداتی و اجرایی نیز برخوردار خواهد بود با وجود این ارزش اساسی مقدمه معاهده در این است که معمولاً در آن موضوع و هدف معاهده درج می‌شود و بدون توجه به مقدمه امکان احصا و احراز سیاق عبارات میسر نخواهد بود در این زمینه قاعده منع گسترش افقی تسلیحات هسته‌ای با اهمیت یاد شده در معاهده منع گسترش هسته‌ای در مواد ۱ و ۲ صورت‌بندی شده هسته‌ای با اهمیت یاد شده در معاهده منع گسترش هسته‌ای در مواد ۱ و ۲ صورت‌بندی شده است. همان‌گونه که در مفهوم عبارات مواد ۱ و ۲ مذکور آشکار است، قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای در یک جمله چنین قابل تخلص است که کشورهای برخوردار و غیربرخوردار از تسلیحات هسته‌ای به احتراز مستقیم و غیرمستقیم از گسترش تسلیحات و تجهیزات انفجاری هسته‌ای متعهد شده‌اند (KouchNejhad et al., 2019). به هر رو مجموعه هشت بند از مقدمه معاهده مذکور در کنار مواد ۱ و ۲ و ۶ معاهده (خلع سلاح) سیاق عبارت قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای را در شکل عمودی و افقی آن شکل می‌دهد و روشن است آنچه در مواد یاد شده تحت عنوان قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای مدنظر قرار گرفته ناشی از هدف‌گذاری‌های انجام گرفته در مقدمه معاهده است و چنین ارتباط معناداری میان متن و مقدمه معاهده مقوم و شکل‌دهنده سیاق عبارات در جهت تحلیل مفهومی قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای است. نتیجه قابل‌اعتنا از توسل به «سیاق عبارات و قاعده کلی» تفسیر مبین این واقعیت است که قاعده منع گسترش تسلیحات با قلمرو روشن آن در معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای به نگارش درآمده است لیکن ایراد اساسی این است که قلمرو آن با شاخص‌های کیفی و کمی مناسب مشخص ارائه نشده است. حسن نیت از منظر اسناد بین‌المللی تعهدی است که دولت‌های عضو معاهده باید آن را با دقت به اجرا در آورند درحالی‌که ضمانت اجرای مشخصی برای عدم تعهد وجود ندارد.

^۱. حسن نیت شرط اخلاقی و حقوقی پرکاربرد در اسناد بین‌الملل است که تاکنون در هیچ سندی از آن تعریفی

تاکنون قلمرو حقوق و تعهدات آن متأثر از رویه مؤخر کشور عضو در اجلاس‌های بازنگری معاهده و تدوین موافقت‌نامه‌های پادمان از جمله پروتکل الحاقی ترتیبات فرعی کد اصلاحی ۱/۳ و... تعریف شده است. مع الوصف به‌کارگیری فن تفسیر در خصوص قاعده به‌تنهایی تمامی قلمرو حقوق و تعهدات کشورهای عضو معاهده مذکور را آشکار نمی‌کند.

نتیجه‌گیری

علی‌رغم وجود قواعد حقوقی عمومی و اختصاصی در زمینه‌های مختلف سلاح‌های هسته‌ای، هنوز وضعیت حقوقی این سلاح‌ها روشن و واضح نیست. حقوق بین‌الملل سلاح‌های هسته‌ای در سه حوزه منع تولید و تکثیر، منع استفاده از این سلاح و حذف کامل آن، کارکردهای کمی و کیفی متفاوتی داشته است. در زمینه منع تولید و تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، موضوع از طریق انعقاد معاهدات دوجانبه یا چندجانبه و اتخاذ روش‌هایی با هدف منع تولید و اشاعه افقی، آزادسازی مناطق خاص از سلاح‌های هسته‌ای و ممنوعیت پیگیری شده است. آزمایش‌های هسته‌ای. اگرچه برخی از معاهدات مانند CTBT هنوز لازم‌الاجرا نشده است، اما برخی از کشورها مانند اسرائیل، هند و پاکستان هنوز به معاهده مذکور نپیوسته‌اند. اما در شرایط پیچیده و ناهمگون جامعه بین‌المللی کنونی باید گفت گام‌های خوبی در این راستا برداشته شده است. داشتن انرژی هسته‌ای حقی است که از قوانین عمومی بین‌المللی نشأت می‌گیرد و همه دولت‌ها از این حق برخوردارند. با وجود این، تهدید انحراف انرژی هسته‌ای از خدمت به بشریت به تولید و استفاده از سلاح‌های مرگبار هسته‌ای، جامعه بین‌المللی را بر آن داشت تا مکانیسم‌هایی را برای محدود کردن استفاده از انرژی هسته‌ای به اهداف صلح‌آمیز و منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای فراهم کند. ساخت تسلیحات هسته‌ای معاهده ۱۹۶۸ درباره اشاعه سلاح‌های هسته‌ای با چنین رویکردی تهیه و اجرا شد. اگرچه این معاهده با قرار دادن کشورها در دو گروه دارای سلاح هسته‌ای و فاقد سلاح هسته‌ای، تعهدات نابرابری را بر دوش آن‌ها تحمیل کرده است، اما کشورهایی که سلاح هسته‌ای ندارند، با هدف دستیابی به ارزش بالاتر، یعنی ایجاد صلح و امنیت بین‌المللی، با چنین تعهداتی موافقت کردند. کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای از ابتدا می‌ترسیدند که از طریق مفاد معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، دسترسی آن‌ها به استفاده صلح‌آمیز از سلاح‌های هسته‌ای ممنوع شود و مفاد آن معاهده به‌عنوان توجیهی برای انحصار فناوری هسته‌ای در مقامات برخی کشورها مورد استفاده قرار گیرد. به‌همین دلیل صراحتاً حق دستیابی به انرژی صلح‌آمیز را به‌عنوان حق مسلم خود در ماده ۴ معاهده و با شرط عدم اشاعه تسلیحات هسته‌ای (مواد ۱ و ۲ معاهده) درج کردند.

موفقیت کم حقوق بین‌الملل تسلیحات هسته‌ای و موانع بر سر راه آن عمدتاً ناشی از ترس و ناامنی متقابل ناشی از مسابقه تسلیحاتی در روابط بین‌الملل است. به‌منظور تامین امنیت عمومی برای همه و ایجاد فضای مناسب منطقه‌ای و بین‌المللی برای خلع سلاح، مفهوم امنیت باید مبتنی بر اعتماد متقابل، منافع متقابل، برابری و همکاری متقابل باشد. تا زمانی که چارچوب حقوقی بین‌المللی حاکم بر کنترل تسلیحات و خلع سلاح و عدم اشاعه در پناه توسعه احساس امنیت بین‌المللی تقویت نشود، علی‌رغم همه تلاش‌های تحسین‌برانگیز، جامعه بین‌المللی به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. تلاش همه برای خلع سلاح و کنترل تسلیحات و عدم اشاعه از یک‌سو و تلاش‌های بین‌المللی برای توسعه استفاده صلح‌آمیز از دانش هسته‌ای مکمل یکدیگر بوده و متقابلاً بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. اگر بازیگران اصلی و موثر بین‌المللی به این واقعیت برسند و به آن ایمان بیاورند، زمان زیادی تا تحقق نظام جامع حقوق سلاح‌های هسته‌ای باقی نمی‌ماند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

The advent of nuclear weapons represents one of the most controversial and perilous milestones in the history of international relations and global security. While nuclear technology has facilitated immense advancements in energy production, medical applications, and scientific research, its utilization for military purposes has introduced existential threats to humanity. The unique destructiveness of nuclear weapons surpasses that of any other category of arms, including chemical and biological weapons, as their detonation results in massive and indiscriminate devastation, long-term environmental contamination, and generational health consequences. Given these unprecedented dangers, the issue of nuclear weapons production and proliferation has been at the center of international legal and diplomatic efforts, with an array of treaties and conventions established to regulate their use, limit their expansion, and promote disarmament. However, despite these efforts, nuclear-armed states have continued to expand their arsenals, often invoking deterrence theories to justify their possession. The Cold War era cemented the doctrine of mutually assured destruction (MAD) as a strategic means to prevent direct conflicts between nuclear-armed nations. However, in contemporary geopolitics, this rationale has been increasingly challenged as nuclear deterrence fails to address threats posed by non-state actors, asymmetric warfare, and regional conflicts. Efforts such as the Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons (NPT) of 1968 aimed to establish a legal framework to prevent the proliferation of nuclear arms while simultaneously promoting peaceful nuclear energy use. Nevertheless, the treaty has been criticized for its inherent inequality, as it allows five nations—the United States, Russia, China, France, and the United Kingdom—to maintain nuclear arsenals while restricting other states from acquiring similar capabilities, thereby reinforcing global power asymmetries (Ghasemi & Ayman Islamiyeh, 2022).

The legal landscape concerning nuclear weapons is shaped by various international treaties, customary norms, and resolutions from international bodies such as the United Nations Security Council (UNSC) and the International Atomic Energy Agency (IAEA). However, a definitive, legally binding prohibition on nuclear weapons applicable to all nations remains elusive. The 2017 Treaty on the Prohibition of Nuclear Weapons (TPNW), adopted by the United Nations, seeks to establish a comprehensive ban on nuclear arms, including their development, testing, stockpiling, and use. Yet, the treaty has faced resistance from nuclear-armed states and their allies, limiting its practical effectiveness. The International Court of Justice (ICJ) issued an advisory opinion in 1996, concluding that the use or threat of use of nuclear weapons would generally be contrary to international humanitarian law (IHL), particularly due to the inability to distinguish between combatants and civilians and the disproportionate suffering inflicted. However, the court did not categorically rule out the possibility of nuclear weapon use in extreme self-defense scenarios, reflecting the persistent legal ambiguities surrounding their status. In the context of regional security, several nuclear-weapon-free zones (NWFZs) have been established through treaties such as the Treaty of Tlatelolco (1967) for Latin America and the Treaty of Rarotonga (1985) for the South Pacific, aiming to create legally binding commitments to keep specific regions free of nuclear weapons. Despite these

measures, challenges persist due to the unwillingness of nuclear-armed states to commit to disarmament and ongoing geopolitical tensions that incentivize nuclear armament rather than its reduction (Shaker, 2009).

One of the key obstacles to achieving comprehensive nuclear disarmament is the strategic value that nuclear weapons provide to their possessors. Major nuclear powers argue that nuclear arms serve as a deterrent against aggression, ensuring national security and stability. However, the deterrence doctrine is increasingly contested, as it fails to prevent the proliferation of nuclear weapons among emerging powers and does not address the risks of accidental or unauthorized launches. The principle of extended deterrence, wherein nuclear-armed states provide security guarantees to allied non-nuclear states, has also been criticized for perpetuating global insecurity, as it encourages reliance on nuclear capabilities rather than fostering disarmament initiatives. The case of North Korea exemplifies the complexities of nuclear proliferation, as its development of nuclear weapons is largely driven by security concerns, geopolitical isolation, and perceived threats from adversaries. Despite international sanctions and diplomatic efforts to curb its nuclear program, North Korea has continued to expand its arsenal, underscoring the limitations of existing non-proliferation mechanisms. Similarly, the Iran nuclear issue highlights the challenges of balancing non-proliferation commitments with the right to peaceful nuclear energy under the NPT. The Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA), signed in 2015 between Iran and major world powers, aimed to restrict Iran's nuclear activities in exchange for sanctions relief. However, the United States' withdrawal from the agreement in 2018 and subsequent escalations have raised concerns about the effectiveness of diplomatic agreements in preventing nuclear proliferation (Asadi, 2016).

The enforcement of international nuclear agreements relies heavily on monitoring and verification mechanisms implemented by the IAEA. Through safeguards agreements, the IAEA conducts inspections and assessments to ensure compliance with non-proliferation commitments. However, these verification processes face challenges, particularly when states obstruct inspections or develop clandestine nuclear programs. The limitations of the current non-proliferation regime are further exacerbated by the lack of a universal enforcement mechanism, as compliance largely depends on political will rather than legal obligation. Moreover, nuclear disarmament efforts are often undermined by the strategic interests of powerful nations, as seen in the modernization programs pursued by nuclear-armed states, which involve upgrading warheads and delivery systems rather than reducing stockpiles. The role of global governance institutions in regulating nuclear weapons is thus constrained by political dynamics, as evidenced by the inconsistent enforcement of UNSC resolutions concerning nuclear proliferation. The principle of sovereign equality, enshrined in international law, is frequently disregarded in nuclear governance, as certain states enjoy exemptions from stringent non-proliferation measures while others face punitive actions for similar activities. This double standard erodes the legitimacy of international legal frameworks and hampers global efforts to achieve nuclear disarmament (Tavakoli Tabasi & Moradi, 2021).

The future of nuclear disarmament depends on the development of a more equitable and effective legal framework that addresses the root causes of nuclear proliferation while ensuring the security of all nations. Confidence-building measures, such as transparency initiatives, arms control agreements, and diplomatic engagement, are essential in reducing nuclear risks and fostering trust among states. The potential for nuclear conflict remains a pressing concern, particularly in regions with longstanding hostilities and unresolved territorial disputes. South Asia, for instance, remains a nuclear flashpoint due to the rivalry between India and Pakistan, both of which possess nuclear arsenals and have engaged in military confrontations. Similarly, the growing strategic competition

between the United States and China has raised concerns about a renewed nuclear arms race, particularly as both nations invest in advanced missile systems and space-based capabilities. In this context, multilateral dialogue and cooperative security arrangements are crucial in preventing the escalation of nuclear tensions. Furthermore, technological advancements in cyber warfare and artificial intelligence pose new challenges to nuclear security, as cyber threats to nuclear command and control systems could increase the risk of unauthorized launches or miscalculations.

References

- Asadi, I. (2016). Mechanism for Monopolizing Missile Power. *Vatan-e Emrooz*, 1(2122), 1-20.
- Beygzadeh, E. (1995). The Novelty of the Nuclear Non-Proliferation Treaty in the Realm of International Law. *Journal of Legal Research, Shahid Beheshti University*, 16(17), 250-292.
- Falsafi, H. (1994). Inequality of States in Accepting and Implementing the Nuclear Non-Proliferation Treaty. *Journal of the Office for Legal Services and International Affairs of the Presidency*, 18(19), 5-44.
- Ghasemi, G. A., & Ayman Islamiyeh, A. (2022). Production and Use of Ballistic Missiles in International Law and the Defensive Doctrine of the Islamic Republic of Iran. *Comparative Research Journal of Islamic and Western Law*, 9(1), 275-308.
- Gillis, M. (2017). *Disarmament: A Basic Guide*.
- Junior, D. (2015). *Interpretation of the Nuclear Non-Proliferation Treaty (NPT)*. Tehran: Khorsandi.
- KouchNejhad, A., Dadashnia Kasmani, M., Niyavari, S., & Sadeghi Ziyazi, H. (2019). The Mutual Impact of the Nuclear Non-Proliferation Treaty and the JCPOA. *Public Law Studies*, 49(4), 1289-1307.
- Saed, N. (2005). *International Law and the Nuclear Non-Proliferation Regime*. Tehran: Institute for Studies and Research in Law.
- Shaker, M. E. (2009). *The Nuclear Non-Proliferation Regime: Principles and Developments*. Tehran: Khorsandi.
- Sharif Emami, J. (1969). The International Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons. *Laws and Regulations of the Parliament*, 1(1), 41-56.
- Tavakoli Tabasi, A., & Moradi, M. A. (2021). The Treaty on the Prohibition of Nuclear Weapons (TPNW) and its Consequences for the Nuclear Disarmament Regime with Emphasis on the Nuclear Non-Proliferation Treaty (NPT). *International Law Journal*, 1(64), 273-306.
- Vathiqi, M., & Kuzehgar, H. (2014). *Good Faith in the Interpretation of International Treaties*. Tehran: Majd Publications.